

نقش دولت در توسعه و مزیت دار نمودن گردشگری

امیر حامد رضایی

دانشجوی دکترای بازاریابی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

دولتی تر شدن اقتصاد در ایران ناشی از برنامه های توسعه ای اقتصادی متمرکز، باعث شده است تا در سال های اخیر، دولت تلاش بیشتری برای فاصله گرفتن از تصدی گری و معضل اقتصاد دولتی و تک محصولی متکی به نفت به عمل آورد. یکی از این تلاش ها، تشویق و توسعه ی صنعت توانمند گردشگری در کشور بوده است. اما مطلب مهم درباره ی با مناطق دارای توانمندگردشگری و از جمله استان سمنان، مساله ی زیرساخت های مورد نیاز و ضرورت نقش دولت در توسعه اولیه این زیرساخت هاست که چنین نقش ودخالتی با نظریه های کلاسیک اقتصاد بین الملل تعارض دارد. از طرف دیگر، نظریه های نوین به چنین نقشی باور دارند. در این نوشتار، با پرداختن به این دوگروه نظریه به تبیین نقش دولت در توسعه و مزیت دار نمودن گردشگری استان سمنان پرداخته می شود. همچنین به منظور بهره مندی از هم افزایی دیدگاه خرد در کنار دیدگاه کلان به بررسی پیش زمینه ها و پیش نیاز های بنگاه های اقتصادی برای فعالیت در منطقه پرداخته می شود.

(۱) پیشگفتار:

مرور تاریخچه ی برنامه های توسعه اقتصادی ایران، در برگزیده ی این نکته است که پیامد عمده ی این گونه برنامه ها، دولتی تر شدن اقتصاد و ترویج بیشتر حمایت گرایی دولتی بوده است. در سال های اخیر دولت به طور دایم در تلاش بوده است تا با به کارگیری ساز و کارهای گوناگون به نوعی از تصدی گری و حمایت گرایی افراطی دولتی و اتکا به درآمدهای نفتی بکاهد تا با ایجاد زیرساخت های اقتصاد آزاد، ضمن تسهیل و آسان سازی روابط و تعاملات بازرگانی بین المللی و جهانی، راه را برای توسعه ی عمیق تر کشور باز نماید و به این ترتیب با فعال نمودن دیگر پتانسیل های اقتصادی و بازرگانی کشور به توسعه ی صادرات غیر نفتی کمک کرده، هماهنگی بیشتری میان اقتصاد دولتی کشور و مبانی اقتصادی نوین جهانی شده در چارچوب سازمان جهانی تجارت ایجاد کند.

یکی از راه های به کارگرفته شده در این زمینه، توسعه ی گردشگری در مناطق با توانمندی در کشور بوده است. وجود این گونه مناطق علاوه بر ارتقا سطح مبادلات اقتصادی و بازرگانی، به نوعی، تمرینی برای اقتصاد دورتر از دولت نیز بوده است. اما شکی نیست این گونه مناطق علاوه بر این که باید به مانند استان سمنان از توانمندی های بالای اولیه ای برخوردار باشند، (توانمندی هایی مانند تنوع اقلیمی، وجود آثار باستانی مشهود، وجود آثار باستانی کاوش نشده، امکان بهره برداری از راه آهن، نزدیکی به پایتخت و دسترسی مناسب به دیگر مناطق گردشگری مانند حاشیه ی دریای مازندران و خراسان)، باید از لحاظ زیرساخت های اولیه ی توسعه نیز برای سرمایه گذاران و بازرگانان داخلی و خارجی دارای جذابیت و به واقع دارای مزیت باشند؛ که خود این مطلب نیازمند حضور ، سیاستگذاری و پشتیبانی دولت از توسعه ی گردشگری به ویژه در مناطقی به مانند استان سمنان است که دارای پتانسیل های بسیار متنوعی است و در نتیجه سیاستگذاری و شناسایی مزیت های برتر آن از لحاظ تقویت بنیه ی رقابتی و همچنین جلوگیری از اتلاف منابع به دلیل به کارگرفته شدن آزمون و خطا برای شناسایی و شناساندن این گونه مزیت ها امری ضروری است. از طرف دیگر ، دخالت دولت با اصل تجارت آزاد و اصول تجارت بین الملل کلاسیک مغایر به نظر می رسد.

به منظور حل چنین مغایرتی در ابتدا به بررسی کوتاه مدل های کلاسیک تجارت بین الملل (که نقش دولت را تا حدود زیادی انکار می کنند) پرداخته می شود و پس از آن نظریات جدیدتر به ویژه ژوزف استیگلیتز (برنده نوبل اقتصاد ۲۰۰۱) که به نظریات سنتی، دیدگاهی انتقادی دارند و برای دولت نقشی متفاوت قایل است، پرداخته می شود تا با مقایسه و بررسی این دو گروه از نظریه ها امکان تبیین نقش دولت در توسعه و در نتیجه مزیت سازی گردشگری استان سمنان پرداخته شود. همچنین با توجه به اهمیت همزمانی و در نتیجه بهره مندی از هم افزایی دیدگاه خرد در کنار دیدگاه کلان در موفقیت استان سمنان با فرض ایفای نقش کامل دولت در چارچوب بررسی شده است.

در این نوشتار به منظور دستیابی به هدف که عبارت از بررسی و تبیین نقش دولت در توسعه و مزیت دار نمودن گردشگری استان سمنان خواهد بود به مرور کوتاه تاریخچه ی برنامه های توسعه ی اقتصادی و نتایج حاصل از آنها در ایران پرداخته می شود. سپس به بررسی ضرورت دولتی زدایی از اقتصاد ایران و سیاست توسعه ی گردشگری به عنوان یکی از راه های توسعه ی صادرات و دولتی زدایی اقدام خواهد شد . پرداختن به توانمندی های ویژه ی استان سمنان ، اقدام بعدی است که با تجزیه و تحلیل نقش دولت از دیدگاه نظریه پردازان گوناگون دنبال خواهد شد و در نهایت پیشنهادهایی با توجه به بحث های به انجام رسیده در دوبعد کلان و خرد ارائه خواهند شد.

۲) نگاهی به توسعه ی در ایران:

اقتصاد و توسعه ی اقتصادی از جمله پدیده هایی هستند که به صورت تدریجی به کمال می رسند و برای بررسی آنها شاید چاره ای به جز مرور گذشته ها و تجزیه و تحلیل پیشینه وجود نداشته باشد. از طرف دیگر، با توجه به تاریخ بسیار طولانی ایران، شاید مطالعه و بررسی ریشه های همه ی ابعاد اقتصادی ایران در یک نوشتار امکان پذیر نباشد. بنابراین، کار بررسی بایستی از مقطعی از تاریخ آغاز شود که به نوعی نقطه ی عطف یا نقطه ی چرخش راهبردی برای اقتصاد و توسعه به حساب آید. از آنجایی که یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذاری بر توسعه ی اقتصادی در سده های اخیر پیشرفت های خیره کننده و شگرف فناوری و دانش بوده اند، در نظر گرفتن نقطه ی تماس ایران دور از فناوری های جدید می تواند به عنوان نقطه ی آغازین دسته بندی و مطالعه به کار رود، امری که کمتر در بررسی های مشابه به آن پرداخته شده است. به عبارت ساده تر مباحث توسعه و مدیریت فناوری و انتقال فناوری ارتباطات بسیار تنگاتنگی دارند و باید در تحلیل های توسعه به این امر توجه کافی شود.

شاید مهمترین و همچنین نخستین تماس فراگیر و اثربخش ایرانیان با پدیده های جدید فناوری به نبرد چالدران باز گردد که با وجود پایمردی و دلاوری ایرانیان به دلیل تفاوت فاحش در نوع جنگ افزار، فرجام خوشی در بر نداشت اما برگی زرین در تاریخ ایران به ثبت رسانید. پس از این برخورد پادشاهان صفوی در صدد به کارگیری و استفاده از علوم جدید برآمدند و بر آن همت گماردند و با تلفیق علوم جدید و زیرساخت های استوار و کهن ایرانی و همچنین توانمندی های بسیار بالای کشور، از جمله حضور دانشمندانی چون شیخ بهایی، توانستند توسعه ی به نسبت متناسبی را بر ایران حاکم نمایند. یادگارهای آن دوران به ویژه در اصفهان از جلوه و اهمیت ویژه ای برخوردار اند. توسعه ی بازرگانی، ارتقاء سطح نسبی رفاه و درنهایت توانمندی کشور در برخورد با بیگانگان در این دوران از جمله مسایل انکارناپذیر دوران اوج حکومت صفوی است.

بنا به نظر صاحب نظران در دوره ی صفویان، " اقتصاد ایران گرچه در مقایسه با اقتصاد کشورهای پیشگام سرمایه داری در اروپا از همان اندازه پیشرفت برخوردار نبود اما اقتصادی متکی به خود بود و بخش های کشاورزی و صنعت (به ویژه صنعت نساجی به همراه صنایع دستی) آن، با یکدیگر هماهنگ و منطبق با نیازمندی های جامعه بودند. در آن زمان، تجارت خارجی بخشی حاشیه ای از اقتصاد کشور بود. امتیازات اعطا شده به خارجیان نیز، بیشتر با امتیازات متقابل همراه بود و پویایی اقتصاد ایران از بروز پیامدهای منفی امتیازات اعطایی، جلوگیری می نمود. (دکتر رزاقی، ابراهیم، ۴)

رویدادهای پس از دوران صفوی و از جمله توانمندی نادر شاه در لشگرکشی های بسیار بزرگ، همراه با پیروزی های چشمگیر بسیار گسترده از هندوستان در آسیای جنوبی تا روسیه و

عثمانی در اروپا نشانگر دو عامل وجود پشتیبانی (لجستیک) نظامی نیرومند و همچنین پیشرفت به نسبت هم گام فناوری در ایران به مانند دیگر نقاط جهان را گوشزد می نمایند، هر چند که شاید رفاه و زیرساخت سازی اقتصادی در آن کمتر به چشم آیند. در دوران زند نیز نمایشی ضعیف تر از فعالیت های دوران صفویه به اجرادآمد که شاید تاثیرچندانی بر تعمیق توسعه ی اقتصادی ایران نداشت.

توجه بیش از حد به نظامی گری افشاریه و کم عمقی توسعه ی زندیه "در طی مدت زمان ۶۰ ساله صفویه تا قاجاریه به همراه تهاجم های پی در پی ایلات و عشایر برای در دست گرفتن قدرت سیاسی، وصول مالیات های گزاف از روستاییان، پیشه وران و بازارگانان کوچک، افزایش فشار سودجویانه ی مالکان بزرگ به روستاییان و دهقانان باعث شدند تا به تدریج اقتصاد ایران با افول رو به رو شود. (دکتر رزاقی، ابراهیم، ۳)."

" در دوران قاجار، باوجود تلاش های عباس میرزا، قائم مقام فراهانی و به ویژه امیر کبیر- که گاهی اثرات دراز مدتی را نیز در بر داشتند- تغییر کاملی در روند انحطاط صورت نپذیرفت. مهم ترین دلیل این ناکامی ها در نیمه ی نخست حکومت قاجاریان، عدم حمایت شاه از اصلاحات و درگیر بودن وی در جنگ های ایران و روس بود و در نیمه ی دوم نیز علاوه بر آن به دلیل سلطه عوامل خارجی اقدام بازدارنده ای صورت نگرفت. با چنین روندی اقتصاد ایران از اقتصادی با بخش های متوازن و دارای مازاد تجارت خارجی (با وجود عقب ماندگی) به اقتصادی با موازنه ی منفی تبدیل شد و توان بخش کشاورزی روبه تحلیل رفت. رشد سرمایه داری در ایران با شکست سیاست های امیر کبیر و قتل وی \pm به دلیل خیانت داخلی ها و دخالت خارجی ها- نتوانست ادامه یابد و از مسیر واقعی خود دور افتاد. راه های رفع عقب ماندگی اقتصادی ایران شامل انتقال علم و فناوری از خارج، حمایت از تولیدات داخلی و اعمال محدودیت بر واردات کالاهای مصرفی که امیر کبیر آنها را به درستی تشخیص داده بود، علی رغم آثار بسیار مثبت آن در همان دوره کوتاه به فراموشی سپرده شد. (دکتر رزاقی، ابراهیم، ۱۳)"

زیرساخت اولیه ضعیف ایجاد شده در طول دوره های مورد بررسی باعث شد تا به مرور وابستگی اقتصاد به دولت هر روزه افزایش یابد و در دوره های بعدی، حضور عامل قدرتمند نفت نیز اقتصاد را بیشتر از پیش به دولت و درآمدهای نفتی وابسته نمود و دولت ها نیز در مقاطعی با اتکا به همین درآمدهای نفتی سیاست های توسعه اقتصادی متمرکز خود را بر پایه همین وابستگی ها و ناتوانی های اقتصادی و با نگرش حمایتگرایانه و جایگزینی واردات بنا نهادند که در مجموع با توفیق نظری خود فاصله یافتند.

ترویج حمایت گرایی یاد شده باعث شد تا مردم نیز از دولت انتظار ایفای نقش یک بنگاه بزرگ اقتصادی را داشته باشند که خود عاملی تشدید کننده بر سیاست های حمایت گرایی به حساب

می آمد و این دور باطل به عاملی بازدارنده بر سر راه سیاست های ایجاد بازار آزاد و توسعه تبدیل شد.

۳) ضرورت کاهش نقش دولت در اقتصاد ایران:

در حال حاضر، اقتصاد ایران به عنوان یکی از تاثیر گذارترین اقتصادهای منطقه در جایگاهی قرار گرفته است که از یک سو به دلایل گوناگون نظری و عملی از جمله الزمات جهان زیستی نوین، مجبور به فاصله گیری از ساختار اقتصاد دولتی است و از سوی دیگر با چنان ساختار پیچیده از اقتصاد دولتی روبه رو است که فاصله گرفتن از اقتصاد دولتی امری بسیار دشوار است. این پیچیدگی ها به حدی رسیده است که از دیدگاه بسیاری از تحلیل گران و آمارها، اقتصاد ایران به عنوان یکی از دولتی ترین اقتصادهای جهان به شمار می رود. به عنوان مثال، بنیاد هریتیج (heritage foundation) که هر ساله به رتبه بندی کشورها بر اساس آزادی اقتصادی آنها می پردازد، در رتبه بندی سال ۲۰۰۶ خود اقتصاد کشورها را در ۱۵۷ رده قرار داده است، که ایران از نظر میزان آزادی اقتصادی با نمره ۴/۵۱ در رده ۱۵۶ جهان جای گرفته است که به این معنی است که کشور ما در جایگاه دوم جهان از نظر میزان دولتی بودن اقتصاد و وجود انحصارها حضور دارد.

نقشه شماره ۱ وضعیت کشورهای مختلف جهان را از نظر میزان آزادی اقتصادی با توجه به تحلیل های سال ۲۰۰۶ هریتیج به تصویر می کشد.



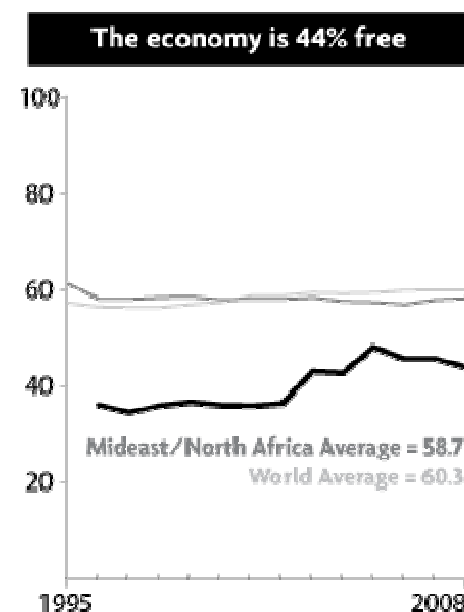
نقشه شماره ۱- مقایسه کشورهای جهان از نظر میزان دولتی بودن اقتصاد
(www.heritage.org)۲۰۰۶

در این مطالعه شاخص محاسبه شده میانگین حسابی گروهی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر آزادی اقتصادی بوده است. این عوامل عبارت بودند از: سیاست های تجاری، عوارض، مالیات و بار مالی تحمیلی به بنگاه های اقتصادی، دخالت دولت، سیاست پولی، سرمایه گذاری خارجی و امور بانکی و مالی، دستمزدها و قیمت ها، حق مالکیت و شفافیت بازار. برای هر کدام از این عوامل ارزشی بین ۱ تا ۵ در نظر گرفته می شود که ۱ نشانگر کمترین درجه حمایت گرایی و اقتصاد دولتی است و ۵ نشانگر بیشترین درجه حمایت گرایی و اقتصاد دولتی.

در سال ۲۰۰۷ مرکز یاد شده با تغییرات و اصلاحاتی به مقایسه دوباره اقتصادها در چارچوب همان ۱۵۷ رده اقدام نمود. تغییر روش شناسی به همراه تغییرات اقتصادی در ایران باعث شدند تا در سال ۲۰۰۷ ایران با ۷ پله صعود به رتبه ۱۵۰ ارتقا بیابد. بر پایه این مطالعه، درصد آزادی اقتصادی ایران ۴۳/۱٪ محاسبه شده است که از میانگین جهانی با ۶۰/۶٪ و میانگین منطقه ای ۵۷/۲٪ بسیار پایین تر است. عوامل در نظر گرفته شده عبارت بودند از: آزادی کسب و کار، تجارت، سیاست پولی، تصدی گری دولتی، سیاست پولی، سرمایه گذاری، امور مالی، حقوق مالکیت، شفافیت و نیروی انسانی.

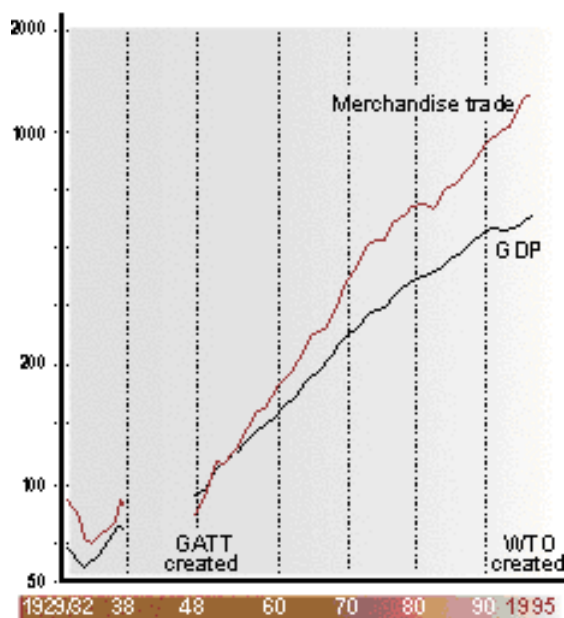
این روند و با همین شیوه محاسبه در سال ۲۰۰۸، رتبه ایران را با یک رتبه سقوط نسبت به سال پیش، در جایگاه ۱۵۱ قرار گرفته است. این درحالی است که درصد آزادی اقتصادی ایران در این سال و برپایه همان روش محاسباتی سال پیش ۴۴٪ محاسبه شده است که از این لحاظ، اندک بهبودی مشاهده می شود.

نمودار شماره ۱ روند آزادی اقتصادی در ایران طی ۱۳ سال گذشته در مقایسه با میانگین جهانی و منطقه ای را به تصویر می کشد.



نمودار ۱- روند آزادی اقتصاد ایران، منطقه و جهان
(www.heritage.org)
2008

از طرف دیگر، جهان امروز، جهان ارتباطات و مبادلات آزادتر بازرگانی است که هر روزه بیشتر بر کاهش نقش دولت‌ها در اقتصادها تاکید می‌نماید. شاید مهمترین نماد جهانی شدن اقتصادها وجود سازمان جهانی تجارت باشد. این سازمان که با توجه به اصول خود به دنبال مبادلات آزادتر تجاری با در نظر گرفتن اصل تجارت منصفانه می‌باشد، از اعضای خود می‌خواهد تا با برنامه ریزی‌های مدون در تلاش برای زدودن نقش حمایتی دولت در اقتصادهای خود باشند. بررسی‌های سازمان جهانی تجارت نشانگر وجود رابطه‌ای مثبت میان رشد اقتصادی و آزادی مبادلات اقتصادی است. این سازمان با بررسی و مقایسه میزان آزادی مبادلات بازرگانی میان اعضای گات و رشد تولید ناخالص داخلی آنها یا به عبارتی رشد اقتصادی آنها در بازه زمانی طولانی ۱۹۴۷ (تاسیس گات) تا ۱۹۹۵ (تاسیس سازمان جهانی تجارت) به اثبات چنین رابطه‌ای پرداخته است. همان طوری که نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد، طی مدت یاد شده، اعضای گات به طور میانگین ۸٪ رشد اقتصادی داشته‌اند و این رشد در ارتباط مستقیم با میزان آزادی تجاری بوده است. نکته مهم این است که آزادسازی تجاری نیز در سایه اقتصاد غیر دولتی و یا اقتصاد بازار قابل دسترسی است.



نمودار ۲± ارتباط آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی

www.wto.org

2008

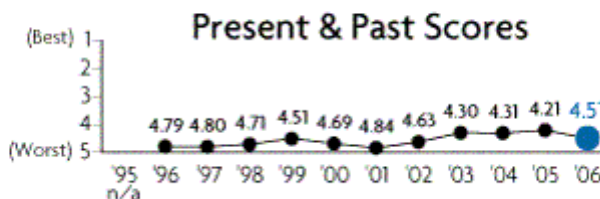
مطالعه دیگری نیز توسط بانک جهانی برای یافتن ارتباط میان آزادسازی اقتصادی و درآمد سرانه در سال ۲۰۰۴ صورت پذیرفته است. یافته های این پژوهش نیز موید وجود چنین ارتباطی می باشد. نمودار شماره ۳ نشانگر این رابطه و همچنین وضعیت مناطق مختلف جهان از این دیدگاه می باشد. در این نمودار نیز از شاخص هریتیج بهره گرفته شده است. همانطوری که این نمودار نشان می دهد، هرچه اقتصادها آزادتر می باشند، درآمد سرانه آنها نیز افزایش می یابد.



نمودار ۳ ± ارتباط آزادی اقتصادی و درآمد سرانه
(www.worldbank.org)
۲۰۰۴

طبیعی است که با توجه به روند خصوصی سازی جهانی و جهانی شدن و همچنین جایگاه نامناسب اقتصاد ایران در عرصه جهانی به ویژه از دیدگاه آزادی اقتصادی، به همراه ضرورت کاستن از اتکا به درآمدهای تک محصولی درآمد اقتصاد یا همان درآمدهای نفتی، سیاست گذاران کشور در اندیشه زدودن و کاهش نقش دولت در اقتصاد باشند. در طول به ویژه یک دهه گذشته تلاش های بسیاری برای این امر صورت گرفته است که نمودار ۴ میانگین نمرات کسب شده توسط اقتصاد ایران از نظر بنیاد هریتیج در طول این بازه زمانی را نشان می دهد.

Rank: 156
Score: 4.51
Category:
Repressed



نمودار ۴- آزادی اقتصادی در ایران در دهه گذشته
(www.heritage.org)
۲۰۰۶

با مطالعه نمودار شماره ۴ به نظر می‌رسد که تلاش‌های یک دهه گذشته در راه آزادسازی اقتصاد در ایران چندان موفقیت‌آمیز نبوده است اما جدای از چنین نتیجه‌گیری و قضاوتی، نکته مهم‌تر که بایستی مورد توجه قرار گیرد، بحث افت و خیزهای این نمودار است که می‌تواند نشانگر پیچیدگی‌های اقتصاد ایران و مقاومت در برابر تغییر باشد. به هرصورت یکی از مهمترین تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، تلاش در جهت توسعه گردشگری می‌باشد.

۴) نقش دولت در توسعه گردشگری:

ایران به عنوان یکی از پرپتانسیل‌ترین کشورهای جهان در زمینه گردشگری به شمار می‌رود که متاسفانه بهره‌برداری مناسبی از این رهگذر ندارد. وجود تنوع اقلیمی، آثار باستانی و یادگاران دوران کهن و پرشکوه تاریخ ایران، گستردگی متناسب جغرافیایی کشور و طول و عرض به تقریب برابر، تنوع قومیتی و فرهنگی و ... دیگر جذابیت‌ها باید به عنوان فرصت‌ها و نقاط قوت گرانبهایی فرض شوند که متاسفانه به آسانی از دست می‌روند. عدم استفاده از این فرصت‌ها، بارها و بارها در مستندات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند ولی هیچگاه منجر به دگرگونی نشده‌اند. منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر یکی از فعال‌ترین مناطق جهان در رابطه با توسعه گردشگری بوده است. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۷ بیش از ۳ تریلیون دلار در زیرساخت‌های گردشگری این منطقه سرمایه‌گذاری خواهد شد تا امکان جذب گردشگر بیشتری فراهم شود. جدول شماره ۱ که از گزارش چشم‌انداز گردشگری خاورمیانه استخراج شده است به مقایسه وضعیت آتی گردشگری کشورهای منطقه پرداخته است. این جدول نشان می‌دهد که چشم‌انداز آتی گردشگری ایران، در صورت تداوم روند فعلی و علیرغم پتانسیل‌هایش چندان مشخص و روشن نمی‌باشد.

نقش دولت در توسعه به طور عام و گردشگری به طور خاص، از جمله مطالبی است که از زمان شکل گیری رشته اقتصاد به عنوان یک رشته دانشگاهی به طور دایمی مورد بحث بوده است. امروزه کسی شکی در به کارگیری اصول بازار و نقش آنها در توسعه ندارد اما در اقتصادهای دولتی به مانند کشور ما، شاید به کارگیری آسان این اصول دست کم در کوتاه مدت امکان پذیر نباشد. نمونه این مطلب به طور کامل در توسعه گردشگری صدق می کند.

مبادلات و بازرگانی بین المللی بر سطح رشد اقتصادی موثر می باشد. با رشد صادرات (چه مریی و چه نامریی مانند صادرات)، منابع بیکار اقتصاد و ظرفیت های خالی آن به کار گرفته می شوند و با افزایش تولید، تولید ناخالص داخلی و در نتیجه رشد اقتصادی افزایش می یابد. همچنین تولید و صادرات بیشتر نیازمند به کارگیری فناوری های پیچیده تر و بیشتر می گردد که یا از خارج از کشور تامین می شوند و یا اینکه با ارتقای توان فنی و علمی داخلی رو به پیشرفت خواهند رفت.

نظریه کلاسیک تجارت بین الملل ارایه شده توسط آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ و همچنین فعالیت های دیگر اقتصاد دانان همچون، ریکاردو و تورنز در جهت تکامل آن در دهه های بعدی به مرور این نظریه را به تکامل رساندند که شاید نقش ریکاردو با ارایه مفهوم مزیت های نسبی بسیار بارزتر از دیگران باشد. به طور کلی و براساس این گروه نظریات، برای دولت در توسعه نقش خاصی در نظر گرفته نمی شود و باور کلی این گونه نظریات بر کمینه سازی نقش دولت در اقتصاد و بیشینه سازی فعالیت سازو کار طبیعی بازار است.

در طول سال های پس از جنگ دوم جهانی به مرور نظریه های اقتصادی بر مبنای نظریه بازار از طرفدارانی بیشتری برخوردار شدند و شاید بتوان گفت که با فروپاشی شوروی به اوج رسید.

در کنار این مطلب، اقتصاد جهانی به نوعی همگرایی ناشی از جهانی شدن نزدیک می شود که اقتصاد دانان آن را اقتصاد نوین نامیده اند. در اقتصاد نوین گروهی از نظریه پردازان همچنان بر اصول کلاسیک اقتصادی و از جمله بحث مزیت های نسبی و مفاهیم نوین تر بر پایه اقتصاد آزاد، تاکید می ورزند اما گروهی دیگر با استناد به مسایل مختلف کشورهای جهان تا حدودی با تردید نسبت به نظریه بازار آزاد به عنوان تک راه برترین توسعه اقتصاد و تجارت می نگرند که با نگاه ویژه به ایران، شاید مساله دخالت دولت در توسعه گردشگری یکی از این مسایل باشد.

یکی از مشهورترین، اقتصاد دانانی که به سرزنش نظریه های کلاسیک پرداخته است، ژوزف استیگلیتز برنده نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ می باشد.

"استیگلیتز بر این باور است که جهانی شدن دارای آثار مثبت و منفی فراوانی است و چگونگی بهره برداری از این آثار فقط به عملکرد خود کشورها وابسته است که در صورت ناتوانی کشورهای در حال توسعه در بهره برداری مثبت می تواند به جای همگرایی به واگرایی اقتصادی اقتصاد نوین منجر شود.

بر پایه نظریات استیگلیتز، جهانی شدن بر ابعاد گوناگون اقتصادی کشورها به شرح زیر، اثر گذار می‌باشد:

- دانش
- تجارت
- نیروی انسانی
- سرمایه گذاری مستقیم خارجی
- آزادسازی بازار سرمایه

استیگلیتز و هم فکرانش بر این باورند که جهانی شدن بر ابعاد پیش گفته در اقتصادهای در حال توسعه اثر معکوسی به جای گذارده است و برای این گونه کشورها مسایلی در ایجاد اشتغال، ریسک، جریان های سرمایه، فرار سرمایه، سیاست های پولی، نهادهای مالی، تعادل های سیاسی داخلی و سرمایه های اجتماعی ایجاد نموده است. به منظور آشنایی با نظریات استیگلیتز به بررسی این مسایل از دیدگاه او پرداخته می شود:

۴-۱) اشتغال زایی:

به دلیل کارکرد نامناسب قانون سی و نظریه مزیت های نسبی، کشورهای در حال توسعه توانایی ایجاد مشاغل جدید به همان سرعت حذف مشاغل قدیمی را ندارند و در نتیجه در بهترین شرایط، به جای حرکت از منابع کم بهره ور به پر بهره ور، به سوی بهره وری صفر حرکت نموده اند. در نتیجه پیامدهایی مانند اشتغال زایی دشوارتر، فقر بیشتر و رشد اقتصادی پایین تر، گریبانگیر این گونه اقتصادها شده است.

۴-۲) ریسک:

امواج سرمایه ای خارجی یا داخلی، منجر به تغییرات عمده ای در نرخ ارز کشورها می گردد. تغییرات شدید در نرخ ارز منجر به تحمیل ریسک بر جامعه و در نتیجه افزایش قیمت ها خواهد شد. بالا رفتن ریسک نیز به خودی خود افزایش حق بیمه ها و در نهایت پیامدهایی مانند سرمایه گذاری و رشد پایین تر، افزایش ریسک ورشکستگی و صرف ذخایر دولتی برای پاسخ به ریسک و در نتیجه سطح پایین تری از توسعه را به دنبال خواهد داشت.

۴-۳) جریان و فرار سرمایه:

براساس نظریه های کلاسیک اقتصاد، جریان ورودی سرمایه به کشورهای در حال توسعه باید منجر به رشد سریع تر شود. اما در عمل، چنین نتیجه ای در همه کشورها به دست نیامده است. به طور کلی می توان سرمایه گذاری ها را به دو گروه زیر تقسیم نمود:

- سرمایه گذاری مستقیم خارجی
 - جریان های دیگر (مانند وام های کوتاه مدت بانکی و پرتفوی های درازمدت تر)
- ورود سرمایه های مالی منجر به افزایش نرخ ارز می شود که در بسیاری از موارد با سرمایه گذاری واقعی ناهماهنگ است و در نتیجه نوعی بیماری هلندی ایجاد می نماید که جذابیت کمتری برای جذب سرمایه ایجاد می کند. پیامد چنین اثری کاهش رشد اقتصادی و در نهایت جذابیت کمتر برای سرمایه گذاران و در نهایت خروج سرمایه ها می باشد. خروج سرمایه به دو شکل صورت می گیرد:
- توسط خارجی ها
 - توسط سرمایه گذاران داخلی (که به آن فرار سرمایه گفته می شود)

۴-۴) استقلال سیاست های پولی:

جهانی شدن افسار گسیخته منجر به از دست رفتن کنترل بر روی سیاست های پولی و یا سیاست ها کنترل نرخ ارز می گردد. نیازی به توضیح نیست که از دست رفتن چنین کنترلی منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

۴-۵) نهادها و موسسات مالی ملی:

جهانی شدن منجر به گشودن بازارهای خدمات مالی داخلی می گردد. رقابت نابرابر موسسات مالی داخلی و خارجی به دلیل حضور موسسات مالی خارجی مشهورتر در مقایسه با موسسات گمنام تر داخلی و کنترل ضعیف تر مقامات داخلی به منظور اطمینان سازی برای اشتغال کامل و تورم پایین منجر به شکست داخلی های خواهد شد که به دنبال خود کاهش رشد اقتصادی را به دنبال می آورد.

۴-۶) تعادل سیاسی داخلی:

جهانی شدن منجر به آزادی بازارهای گوناگون می گردد. استیگلیتز اظهار می دارد که در بسیاری از موارد آزادسازی اقتصادی کشورهای در حال توسعه را به سمت بحران رانده است. برای مدیریت این بحران ها در بسیاری از موارد کشورهای در حال توسعه، از صندوق بین المللی پول درخواست کمک نموده اند اما به دلیل تحمیل شرایط خاص کنترل بحران توسط صندوق به این گونه کشورها، و به دلیل اینکه اصلاحات تحمیلی بیرونی پایدار نیستند، مدیریت بحران های یاد شده به هیچ عنوان کارا و اثربخش نیستند. در ادامه استیگلیتز عنوان می کند که کشورهایی که رشد اقتصادی بسیار بالا و سریعی را تجربه نموده اند، هرگز از صندوق کمک نگرفته اند.

۵) سرمایه اجتماعی:

جوامع سنتی دارای شبکه های حفاظتی اجتماعی خاص خود می باشند. در شرایط گذار سریع، این گونه تورها و شبکه های حفاظتی به درستی به کار نمی افتند، چرا که:

- در بیشتر موارد میان فرهنگ بومی و جهانی تفاوت هایی وجود دارد.
- در صورت افزایش بیکاری ناشی از جهانی شدن، خشونت در جامعه افزایش می یابد.
- در کشورهایی با چنین مسایلی، کمتر شرکت های معتبر تمایل به سرمایه گذاری دارند."

در نهایت استیگلیتز با برشمردن معایب شیوه جهانی شدن، عنوان می نماید که دولت های کشورهای در حال توسعه باید دنبال مدیریت فرایند جهانی شدن خود باشند تا بتوانند از فرصت های آن نهایت استفاده و از تهدیدهای مربوط نیز نهایت دوری را داشته باشند. به عبارت بهتر، استیگلیتز به ایفای نقش دولت در توسعه به صورتی که منجر به توانمندسازی شود، باور دارد و معتقد است که دخالت های دولت باید به شکلی ایجاد شود که مدیریت آزادسازی اقتصادی به عهده دولت قرار گیرد.

۶) شرکت های جهانی

به طور کلی برای شرکت هایی که تمایل به حضور در عرصه های جهانی را دارند و یا شرکت های حاضر در این عرصه ها که با عنوان کلی شرکت های جهانی شناسایی می شوند، متخصصان بازاریابی و بازرگانی ویژگی های خاصی را یافته اند که این گونه مشخصات با عنوان کلی مدل های کامیابی جهانی شرکت ها شناسایی می شوند.

با توجه به ارتباط دوسویه بازرگانی و اقتصاد می توان گفت که شرکت های دارای این گونه مشخصات تمایل به فعالیت در مناطقی با زیرساخت های موردنیاز فعالیت خود را دارند و همچنین شرکت هایی نیز که تمایل به حضور در مناطق دارای این گونه زیر ساخت ها و ویژگی ها نیز باید به توانمند سازی خود در چارچوب این گونه مدل ها و الگوها بپردازند.

به منظور آشنایی با مفهوم کامیابی جهانی، مدل ها و تعاریف گوناگونی ارائه شده است که بررسی همه آنها از عهده این نوشتار خارج است، اما از چشم اندازی بسیار ساده و با توجه به مفاهیم پایه ای اقتصاد و مدیریت، می توان به کامیابی جهانی از دیدگاه رقابت نگریت و آن را ربودن گوی سبقت از رقبای جهانی دانست. در میان مدل های گوناگون ارائه شده و از دیدگاه علوم سازمانی، شاید مدل مارکوارد یکی از بهترین ها باشد. مایکل مارکوارد در کتاب "مزیت جهانی" با بررسی و ترکیب منابع قدرت سازمان های جهانی مانند توانایی کاهش هزینه ها، توسعه آگاهی و وفاداری مشتری، دسترسی بیشتر به کارکنان ماهر و فرهیخته، انعطاف پذیری جغرافیایی و ... و همچنین

بررسی دقیق عملکرد سازمان ها و مدیران جهانی طی یک بازه ۱۰ ساله، مدلی را با عنوان مدل کامیابی جهانی سازمان ها (نگاره شماره ۱) معرفی می نماید. بر این پایه، توصیه او این است که سازمان ها برای کامیابی جهانی و ایفای نقش بازیگر ماهر در عرصه بازار جهانی باید، در ۶ بخش خلاصه شده در مدل به عنوان مبانی کامیابی جهانی توانمند باشند.



نگاره ۱ ± مدل کامیابی جهانی مارکورا

۷) نتیجه گیری و ارایه پیشنهاد:

مطالعات نشانگر ارتباط میان توسعه اقتصادی و بازرگانی آزاد بین المللی و تایید آن از نظر هر دو گروه نظریه پردازان می باشد. همانطوری که پیشتر توضیح داده شد، برنامه های توسعه اقتصادی ایران بیشتر بر درآمدهای نفتی دولت متمرکز بوده اند و گردشگری نیز از دیگر بخش های اقتصادی کشور مجزا نمی باشند. اما استیگلیتز و معارضان اقتصاد نوین جهانی با توجه به روندهای موجود در اقتصادهای در حال توسعه به نقش مدیریتی دولت در این فرآیند باور دارند و آن را الزامی می دانند اما نکته قابل توجه باور آنان به مزیت های اقتصاد آزاد می باشد و نقش دولتی را تنها مدیریتی و به نوعی به جای حمایتی، هدایتی فرض می نمایند.

نقش هدایتی دولت در دو سطح کلان و بنگاه های اقتصادی کاربرد می یابد و در صورت ایجاد چنین فرایندی می توان انتظار جذابیت بیشتر برای مناطق دارای جاذبه گردشگری مانند استان

سمنان را داشت. بر این اساس و به منظور بهره برداری از مفاهیم مندرج در این نوشتار پیشنهادهای زیر با در نظر گرفتن اصل نقش هدایتی دولت عنوان می گردند:

□ با توجه به پتانسیل ها و شرایط مناسب استان سمنان، به نظر می رسد که در نظر گرفتن برنامه های خاص با توجه به این پتانسیل ها می تواند در جذب سرمایه گذاران، بازرگانان و گردشگران به این منطقه موثر باشد. وجود راه آهن و امکان ترانزیت آسان کالا و مسافر با مبدا و یا مقصد این منطقه به همراه تنوع اقلیمی، نزدیکی با پایتخت و ... از بهترین امکانات این منطقه می باشد که با ایجاد گذار و رفت و آمد می تواند باعث ایجاد ارتباطات بهتر و بیشتر بازرگانی بین المللی گردد.

□ انجام پژوهش، در رابطه با سنجش موارد مد نظر استیگلیتز در توسعه گردشگری استان سمنان و بررسی عملکرد مناطق گردشگری با سابقه تر مانند کیش و همچنین مناطق گردشگری بین المللی از این دیدگاه ها به منظور مدیریت فرایندهای گردشگری استان سمنان

□ کمک به توانمندسازی شرکت های ایرانی مرتبط با گردشگری حاضر در استان سمنان و یا شرکت های دیگری که تمایل به حضور دارند با در نظر گرفتن الگوهای کامیابی جهانی و با ارائه برنامه های آموزشی و مشاوره ای توسط متولیان گردشگری استان و یا دعوت از شرکت های مشاور به منظور ارائه چنین خدماتی به شرکت های یاد شده

منابع:

^۱ - دکتر رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، سوم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۱

www.heritage.org

www.wto.org

www.thetalentjungle.com

Rima, Ingrid Hahne, Development of Economic Analysis, 6th, Routledge, 2001
Husted, Steven & Melvin, Michael, International Economics, 6th, Pearson, 2004

Stiglitz, Joseph E, Globalization & its discontents, Norton, 2002

Stiglitz, Joseph E, Globalization & Growth, Journal of Policy Modelling, 2003

Marquardt, Michael J., the Global Advantage, Gulf Publishing Company, Houston, Texas, 1999